

چهارشنبه 30 خرداد 1397 - 6 شوال 1439 - 20 ژوئن 2018

درگیری منافقین با مردم و نیروهای انقلابی (1360 ش)



درگیری منافقین با مردم و نیروهای انقلابی (1360 ش)

با گسترده‌تر شدن اختلاف نیروهای انقلابی با عناصر ضدانقلاب به رهبری منافقین و بنی صدر، طرح عدم کفایت سیاسی بنی صدر در مجلس عنوان گردید و حضرت امام، طی حکمی در بیستم خرداد 1360، وی را از فرماندهی کل قوا عزل کردند. در این میان نیروهای انقلابی خواستار سرعت عمل در عزل این عنصر غرب‌رلم& زده توسط مجلس و تأیید حضرت امام بودند که در روز 30 خرداد 1360 در بیرون مجلس تجمع کردند. از آن سو، گروه‌ک‌رلم& های ضدانقلاب و طرفدار بنی‌رلم& صدر، که تدارک وسیعی برای ایجاد آشوب و جلوگیری از کار مجلس دیده بودند، اعلان مبارزه مسلحانه کردند. در بعد از ظهر این روز این گروه‌ک‌رلم& ها به خیابان‌رلم& ها ریختند و به تخریب اموال عمومی و قتل و غارت و آشوب در تهران و بسیاری از شهرستان‌رلم& ها پرداختند. کم کم نیروهای مردمی، سپاه و کمیته‌رلم& ها به مقابله با آشوبگران برخاستند که در این میان درگیری‌رلم& های متعددی روی داد. سرانجام با مقاومت شدید انقلابیون، آشوبگران شکست خورده و متفرق شدند.

انفجار بمب در حرم مطهر امام رضا(ع) توسط منافقین کوردل در عاشورای حسینی (1373 ش)

در بعدازظهر سی‌رلم& ام خرداد 1372 ش برابر با عاشورای سال 1415 ق، در حالی که مردم عزادار در اوج برگزاری مراسم بزرگداشت قیام تاریخی امام حسین(ع) بودند، توسط منافقین کوردل بمبی داخل حرم مطهر و در نزدیکی ضریح منور امام رضا(ع) در مشهد منفجر شد. در پی این انفجار، ده‌رلم& ها تن از زائران و علاقه‌رلم& مندان اهل بیت(ع) در حرم امام رضا(ع) شهید یا مجروح شدند و خسارت زیادی به حرم رضوی وارد آمد. پس از این اقدام ضد بشری، مقام معظم رهبری حضرت آیت‌رلم& الله خامنه‌رلم& ای طی پیامی فرمودند: "منافقین کوردل نشان دادند که برای حریم مقدس اهل بیت عصمت و طهارت(ع) نیز هیچ گونه حرمتی قائل نیستند. دشمنان منافق، معاند و سنگدل، با این جنایت نشان دادند که به هیچ یک از موازین انسانی پایبند نیستند و دشمنی آنان با ملت غیور و مؤمن ایران، هیچ حد و مرزی را نمی‌رلم& شناسد".

ورود "مسلم بن عقیل" نماینده‌رلم& ی امام حسین(ع) به کوفه(60 ق)

مسلم بن عقیل، نماینده و پسر عموی امام حسین(ع) به منظور دعوت از مردم کوفه و آگاهی از میزان وفاداری آنان به امام، وارد این شهر شد. مردم کوفه، قبلاً با ارسال نامه‌رلم& های فراوان، خواستار عزیمت امام به این شهر و رهبری آنان برای مبارزه با حکومت ستمکار اموی شده بودند. در بدو ورود مسلم به کوفه، وی نامه‌رلم& ی امام را که حاکی از دعوت مردم کوفه به قیام بود، برای آنان قرائت کرد و دراندک زمانی، حدود 18 هزار نفر با وی بیعت کردند. پس از آن، مسلم، بیعت گسترده‌رلم& ی اهالی کوفه را به اطلاع امام رساند. اما اندکی بعد، مردم کوفه تحت تأثیر تبلیغات و تهدید و تطمیع ابن زیاد، حاکم جدید کوفه، بیعت خود را با امام حسین(ع) نادیده گرفتند. آن‌رلم& ها حتی پا را فراتر گذاردند و گروهی از آن‌رلم& ها عازم جنگ با امام شدند. مسلم بن عقیل هم که در کوفه تنها مانده بود، به دست مأموران اموی اسیر شد و به شهادت رسید.

تولد "خواجوی کرمانی" شاعر و ادیب شهیر ایرانی(679 ق)

ابوالعطاء کمال‌الدین محمود بن علی بن محمود، معروف به خواجوی کرمانی در سال 679 ق در شهر کرمان به دنیا آمد. او در جوانی در کرمان و فارس تحصیل کرد و از آن پس به مسافرت پرداخت. خواجو در اثنای مسافرت، با عده‌رلم& ای از مشایخ، سلاطین و وزرا ملاقات کرد و در پایان عمر، چندی نیز با حافظ شیرازی، شاعر بزرگ غزل سرای قرن هشتم معاشرت داشت. دیوان قصیده‌رلم& ها، غزل‌رلم& ها و رباعی‌رلم& ها، مثنوی‌رلم& های همای و همایون، گل و نوز، کمال نامه، گوهر نامه و... از آثار خواجوی کرمانی است. در غالب این مثنوی‌رلم& ها، خواجو از نظامی پیروی کرده است. خواجو در غزل‌رلم& های خود، شیوه‌رلم& ی سعدی را اساس قرار داده و آن را با افکار عرفانی در آمیخته است. روش ایجاد شده توسط خواجوی کرمانی به همت حافظ شیرازی کامل شده است. این ادیب نامدار ایرانی سرانجام در 753 ق در 74 سالگی درگذشت.

رحلت "سیدجمال‌الدین حسینی اسدآبادی" متفکر و مصلح بزرگ جهان اسلام(1314 ق)

سیدمحمد بن سید صفدر معروف به سیدجمال، اندیشمند انقلابی، سخنور و از رهبران ضداستعماری ملل اسلامی است که بنا به گفته‌رلم& ی بسیاری از تاریخ‌رلم& نگاران، وی شیعه و ایرانی و در سال 1254 قمری در اسدآباد همدان چشم به جهان گشود. پدرش او را به کابل برد و به تحصیل علوم متنوع از جمله: تاریخ، فقه، ادبیات، منطق، حکمت و ریاضیات پرداخت. در 18 سالگی در بسیاری از علوم متدوله به مقام عالی رسید. سیدجمال‌الدین از آن پس، به هندوستان و حجاز و مکه مسافرت کرد. سپس به مصر رفت و در دانشگاه الازهر به تدریس منطق و فلسفه پرداخت و شیخ محمد عبده از محضر او استفاده نمود. از آن جا که سید، خود بنیانگذار اتحاد ملل اسلامی و وحدت شیعه و سنی

در اوایل سال 1789م لویی شانزدهم پادشاه فرانسه، با توجه به خالی بودن خزانه با اعلام نوعی حالت فوق‌العاده، نمایندگان همه طبقات کشور را در مجمعی به نام مجلس طبقات گرد هم آورد اما از حضور مردم عادی در این اجتماع که با حضور اشراف و وابستگان دربار تشکیل شد، جلوگیری نمودند. لویی شانزدهم در نطق افتتاحیه خود در 5 مه 1789م به جای اینکه وعده اصلاحات و تغییراتی را به نمایندگان بدهد و آن‌ها را به طرح و ارائه پیشنهادات اصلاحی ترغیب نماید فقط گفت که وظیفه مجلس، مشورت و اظهارنظر برای حل مشکلات مالی کشور است و به دیگر سخن موظف است برای مالیات‌های که از طرف دولت وضع می‌شود به نام ملت صخه بگذارد. همچنین در این مجلس، به آراء طبقه سوم و پایین اعتنایی نشد و این امر باعث اجتماع ضدسلطنتی آنان گردید. از این‌رو، در تاریخ 20 ژوئن 1789م سوگند یاد کردند که تا قانون اساسی فرانسه بر پایه‌های محکمی استوار نشده باشد از هم جدا نشوند. از این تاریخ، انقلاب فرانسه وارد اولین مرحله خود شد و مجلس مؤسسان شروع به نوشتن قانون اساسی کرد. در این میان ظلم و ستم لویی شانزدهم باعث خشم مردم گردید که در نهایت سر به شورش برداشتند. آنان به مخازن اسلحه دولت حمله‌ور شده و مقداری توپ و تفنگ به دست آوردند و به طرف زندان باستیل که محل زندانیان سیاسی بوده رفته و آن‌جا را با خاک یکسان کردند. فتح باستیل که آغاز اصلی انقلاب کبیر فرانسه محسوب می‌شود، ضربه مستقیمی بود که توسط ملت بر حکومت استبداد وارد آمد. این حوادث، تأثیرات متعددی در فرانسه و حتی دیگر کشورهای مجاور ایجاد کرد به طوری که این انقلاب به عنوان مبداء تاریخ معاصر این کشور به شمار می‌آید. گرچه انقلاب کبیر فرانسه با شعار فریبده آزادی، برابری و برادری آغاز شد ولی حاصل آن نه آزادی و نه عدالت بود و نه برادری و برابری. خفقان دوران حکومت رهبران انقلاب کبیر فرانسه از هر دورانی در فرانسه بیشتر و دامنه ظلم و بی‌عدالتی از هر زمانی گسترده‌تر بود. رهبران انقلاب فرانسه نه فقط آزادی و عدالت را برای هم وطنان خود به ارمغان نیاوردند، بلکه از تحمل عقاید دیگر هم عاجز بودند و حتی سر بسیاری از رهبران انقلاب به دست دوستان و هم‌زمان خودشان زیر تیغه گیوتین رفت.

فرار "لویی شانزدهم" پادشاه فرانسه در جریان انقلاب این کشور (1791م)

یکی از مهم‌ترین وقایعی که در جریان انقلاب فرانسه موجب تزلزل و سقوط رژیم سلطنتی گردید، ماجرای فرار لویی شانزدهم و خانواده‌اش از پاریس بود. این تصمیم زمانی اتخاذ شد که لویی شانزدهم پس از ممانعت مردم برای مسافرتش به خارج از پاریس، احساس کرد که با او مانند یک زندانی رفتار می‌شود. همچنین تقویت نیروهای افراطی مجلس مؤسسان و نافرمانی و بی‌انضباطی در میان سربازان و بی‌اعتمادی نسبت به فرمانده گارد ملی، از جمله عواملی بود که در تصمیم لویی شانزدهم به فرار از پاریس موثر افتاد. اما هنگامی که کالسکه بزرگ سلطنتی در بیستم ژوئن 1791م در حال خارج کردن اعضای خانواده پادشاه فرانسه بود، نیروهای انقلابی آن را شناخته و به پاریس باز گرداندند. بازگشت شاه و همسرش به پاریس توأم با تحقیر و اهانت بود و با جنجالی که بر سر آن برخاست، خانواده سلطنتی از آن به بعد تحت مراقبت بیشتری قرار گرفتند. از فردای آن روز تلاش برای برکناری لویی شانزدهم و الغاء رژیم سلطنتی آغاز شد تا اینکه این امر با اعدام لویی شانزدهم در 21 ژانویه 1793م صورت پذیرفت. (ر.ک: 21 ژانویه)

بود، تعمداً ملیت خود را مخفی نگه می‌داشت. سید با مسافرت به اکثر کشورهای عربی و اسلامی و با ایراد خطابه‌های پرشور، از مسلمانان می‌خواست با اتحاد و همبستگی در برابر مفسد و حاکمیت دست نشانده و استعماری اروپاییان ایستادگی کنند. در نتیجه، دولت‌های دست نشانده، تحمل چنین اندیشه‌ای را در جامعه نمی‌خواستند و چندین بار او را به هند، پاریس و لندن تبعید کردند. سید جمال‌الدین با همیاری محمد عبده، 18 شماره از روزنامه‌های عروۃ الوثقی را در پاریس منتشر کرد، ولی با کارشکنی مقامات انگلیسی، این نشریه تعطیل شد. وی هم‌چنین به ایران و عثمانی سفر کرد و ملاقات‌های با سران کشورهای اسلامی از جمله ناصرالدین شاه قاجار داشت، تا بلکه حرکت و رشد مسلمانان سرزمین‌های اسلامی را فراهم نماید. اما دول استعماری سخت با او مخالفت کردند. پس از آن راهی استامبول شد و چون ناصرالدین شاه قاجار، توسط یکی از یاران سید در شهر ری به قتل رسید، امپراتور عثمانی او را تحت نظر گرفت. سرانجام سید جمال‌الدین اسدآبادی در پنجم شوال 1314 قمری مصادف با 18 اسفند 1275 در 60 سالگی دیده از جهان فرو بست و در گورستان شیخ‌تر ترکیه به خاک سپرده شد.